

## بررسی تأثیر مفاهیم قرآنی و شرقی بر اشعار ایوان بونین<sup>۱</sup>

مرضیه یحیی پور<sup>۲</sup>

جاناله کریمی مطهر<sup>۳</sup>

چکیده

زندگی شخصی و ادبی ایوان بونین ادیب و شاعر روس را می‌توان به دو دوره قبل از انقلاب اکتبر و بعد از آن یعنی دوران مهاجرت او تقسیم کرد. البته سالهای ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵ م، زمانی که او با ل. تالستوی، آنتون چخوف، کوپرین، کارالنکا و گورکی آشنا شد را باید سالهای تحول در زندگی ادبی بونین به حساب آورد. مضمون بیشتر آثار دوره اول زندگی ادبی او موضوعات و حوادث خارج از روسیه است، ولی در زمان مهاجرت، تقریباً موضوع همه آثار او به روسیه و حوادث ناشی از انقلاب اکتبر برمی‌گردد. بونین شاعر، نثرنویس و مترجم علاقه زیادی به سفر داشت. حضور وی در ممالک اسلامی و آشنایی او با قرآن، فرهنگ و تاریخ اسلام باعث شد تحت تأثیر این سفرها اشعاری بسراید که امروزه ره توشه‌ای غنی و جاودانه برای ادبیات روسیه و جهان به شمار می‌آید. او اشعاری با الهام از آیات قرآنی و مفاهیم شرقی سروده و مضامین این اشعار حاکی از احترام ویژه او به اسلام، پیامبر اکرم و امت اسلامی است. بونین در این اشعار، امت اسلام را به مبارزه با نفس و دشمنان بیگانه دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد ضمن حفظ کمالات انسانی خود، در مقابل بیگانگانی که هیچ‌گونه برتری نسبت به خود ندارند، تسلیم نشوند.

---

۱. مقاله برگرفته از طرح پژوهشی ش. ۴۶۰۵۰۰۶/۱/۴ تحت عنوان «جایگاه شرق و مفاهیم قرآنی در آثار ایوان بونین» می‌باشد که در دانشگاه تهران انجام گرفته است. بدین وسیله از پشتیبانی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران سپاسگزاری می‌کند.

۲. دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

۳. دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

کلید واژه‌ها بونین، قرآن، سفر، انقلاب اکتبر، مهاجرت.

## طرح مسأله

ایوان آلکسی یویچ بونین<sup>۱</sup> در ۲۲ اکتبر سال ۱۸۷۰م در یک خانواده اشرفی ورشکسته در شهر وارونژ<sup>۲</sup> روسیه چشم به جهان گشود. بونین آخرین نویسنده کلاسیک ادبیات روسیه است. او در آثارش زندگی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ روسیه، اروپا و مشرق زمین را ترسیم می‌کند. از بونین حتی در زمان حیاتش به عنوان یک نویسنده ماهر نه تنها روسی بلکه جهانی یاد می‌کردند. نویسندگانی چون توماس مان<sup>۳</sup>، ر.م. ریلکه<sup>۴</sup>، رومن رولان<sup>۵</sup>، آندره ژید<sup>۶</sup> و دیگر نویسندگان معروف، آثار او را بسیار پرارزش دانسته‌اند.

بونین با انتشار مجموعه اشعار «برگریزان»<sup>۷</sup> توانست در روسیه جایزه ادبی را از آن خود کند. در سال ۱۹۰۹ به عنوان عضو افتخاری آکادمی علوم روسیه برگزیده شد. او همچنین اولین نویسنده روسی است که در سال ۱۹۳۳ جایزه ادبی نوبل را کسب کرد. انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ در روسیه و ناخشنودی بونین از انقلاب، تحولی را در زندگی وی پدید آورد. شاعر مجبور به ترک کشور شد، ابتدا همراه خانواده به اودسا<sup>۸</sup> و سپس از آنجا برای همیشه به فرانسه رفت. علی‌رغم خواست قلبی خود، دیگر هیچ وقت نتوانست به روسیه بازگردد. به همین دلیل زندگی ۶۰ ساله ادبی بونین را می‌توان به دو دوره قبل از انقلاب اکتبر و دوران مهاجرت تقسیم کرد.

## بحث و بررسی

بونین اولین تجربه‌های ادبی خود را که شامل اشعار و داستان‌های او بود برای روزنامه‌ها و مجلات پایتخت ارسال می‌کرد. او در سال ۱۸۹۴ با ل. تالستوی<sup>۹</sup> (۱۸۲۸-۱۹۱۰) در مسکو ملاقات کرد و از این زمان به بعد شدیداً تحت تأثیر شخصیت، تعلیمات اخلاقی و فلسفی او قرار گرفت.

1. Ivan Alekseevich Bounin

2. Varonezh

3. T. Mann

4. R.M. Rilke

5. R. Roulan

6. A. Zhid

7. Listapad

8. Odessa

9. L.N. Tolstoy

از ویژگی‌های بارز بونین علاقهٔ شدید او به سفر است. در طی سالهای ۱۸۸۰-۱۸۹۰ سفرهای زیادی در روسیه و در اوایل قرن ۲۰ به کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی داشت. (برای نمونه او در سال ۱۹۰۷ به همراه همسرش ورا نیکلایونا مورومتسووا<sup>۱</sup> به سوریه، لبنان (بعلبک)، مصر و فلسطین و در سال ۱۹۱۰ ابتدا به اروپا سپس به مصر و سیلان و همچنین به الجزایر، تونس و صحرا و در پاییز ۱۹۱۲ و بهار ۱۹۱۳ به بخارست، ترکیه و سپس به ایتالیا سفر کرد). در آثار او نه تنها تأثیرات روشن و زیبای این سفرها نقش بسته‌اند، بلکه این سفرها یک محرک جدید برای خلق آثار او نیز به حساب می‌آیند.

بونین اولین مجموعه غزلیات نوجوانی خود را به نام «اشعار سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۹۱»<sup>۲</sup> در سال ۱۸۹۱ به چاپ رساند که البته بعدها ناخرسندی خود را نسبت به این سروده‌ها اعلام کرد.

از مضامین عمدهٔ آثار اولیه او، انسان و طبیعت است. شاعر در اشعارش علاوه بر اینکه مانند یک روانشناس و فیلسوف توانا ظاهر می‌شود، همزمان همانند نقاشی ماهر، طبیعت را به زیبایی وصف می‌کند. طبیعت در این دوره از آثار او، سرچشمهٔ هارمونی و خوش‌بینی است. از نظر بونین، تنها انس با طبیعت است که به زندگی انسان شادی می‌بخشد. در اشعار «در دشت»<sup>۳</sup>، «در کوه‌ها»<sup>۴</sup>، «همه جا جنگل و جنگل، و روز به تاریکی می‌زند»<sup>۵</sup>، «بهار روسیه»<sup>۶</sup>، «آوریل»<sup>۷</sup>، «برگ ریزان»<sup>۸</sup>، «البرز کوه»<sup>۹</sup> و... مناظر دل‌انگیز طبیعت بسیار استادانه وصف شده‌اند.

بونین نسبت به وقایع و حوادث در دیگر کشورها بی‌تفاوت نبود. او در مجموعه اشعار «روس»<sup>۱۰</sup>، «شرق»<sup>۱۱</sup> و «غرب»<sup>۱۲</sup> از کشورها و حکومت‌های دیگر سخن گفته است.

1. Vera Nikolaevna Muramtseva

2. Stikhatvarenie 1887 - 1891

3. Ve stepi

4. Ve garakh

5. Visu les e les. A den temneet

6. Rouskaya visna

7. Aprel

8. Rozi Shiraza

9. Elbourz

10. Rous

11. Vastok

12. Zapad

بونین در سال ۱۸۹۵ شهر پولتاوا<sup>۱</sup> (حوالی اوکراین) را ترک کرد و به سن پترزبورگ و سپس به مسکو رفت. در مسکو با نویسندگان زیادی از انجمن «سریدا»<sup>۲</sup> از جمله چخوف<sup>۳</sup> (۱۸۶۰-۱۹۰۴)، کارالنکا<sup>۴</sup> (۱۸۵۳-۱۹۲۱)، گورکی<sup>۵</sup> (۱۸۶۸-۱۹۳۶) و کوپرین<sup>۶</sup> (۱۸۷۰-۱۹۳۸) آشنا شد.

در نیمه دوم دهه ۱۸۹۰ بود که بونین با انتشار آثار متعدد شهرت یک نویسنده رئالیست را به دست آورد. «چخوف اولین کسی بود که برای بونین سرنوشت ادبی برجسته‌ای پیش‌بینی کرد»<sup>۷</sup> (آگنوسووا<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹، ۱۶۶).

نشر آثار منثور او مثل «روستا»<sup>۹</sup> (۱۹۰۹-۱۹۱۰)، «لیرنیک رودی‌اون»<sup>۱۰</sup> (۱۹۱۳)، «برادران»<sup>۱۱</sup> (۱۹۱۴- که تحت تأثیر فرهنگ بودایی نوشته شده است)، «آقایی از سانفرانسیسکو»<sup>۱۲</sup> (۱۹۱۵- که به تراژدی زندگی انسان و برادرکشی در دنیای متمدن اشاره دارد) و «نفس آرام»<sup>۱۳</sup> (۱۹۱۶) در دهه اول قرن ۲۰ شهرت او را به همراه داشت. یو. آئیخن والد<sup>۱۴</sup> منتقد آثار بونین در مورد «آقایی از سانفرانسیسکو» نوشته است: «کشتی بزرگ گناهان بشری اقیانوس دنیا را در می‌نوردد، و فقط مرگ سهمگین ناگهان یکی از گناه‌کاران از سان فرانسیسکو یا دیگر شهرها را از سالن مجلل بیرون می‌اندازد و به ورطه فضا پرتاب می‌کند؛ دیگران به این حادثه بی تفاوت می‌مانند، تا زمانی که نوبت گریزناپذیر خودشان برسد» (آئیخن والد، ۱۹۹۴، ۴۳۱). حوادث سال ۱۹۱۷، زندگی شخصی و سرنوشت آثار وی را به کلی دگرگون ساخت. بونین قاطعانه عقاید انقلاب فرریه (۱۹۰۵) و اکتبر (۱۹۱۷) روسیه را رد کرد. به خاطر شرافت و درستکاری و احساس لیاقت انسانی، بونین نتوانست عقاید بلشویکی را بپذیرد و اوضاع سیاسی باعث شد تا در سال ۱۹۱۸ روسیه را ترک کند. بونین از یادداشت‌های سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹

1. Poltava

2. Sirida

3. A.P. Chekhov

4. V.G. Karalenka

5. M. Gorki

6. A.I. Kuprin

۷. کلیه نقل و قول‌ها و اشعار ترجمه مؤلفین مقاله از زبان روسی است.

8. Agnesova V.V.

9. Direvniya

10. Lirnik Radion

11. Bratya

12. Gaspadin iz Sanfrantsisko

13. Liukhkaye dikhaniye

14. Aikhenvald U.

خود اثری به نام «روزهای اهریمنی»<sup>۱</sup> منتشر می‌کند و دلایل ترک کشور را بیان کرد. از نظر بونین، انقلاب اکتبر و جنگ یک جنبه بیشتر نداشت: قتل و عام اسرا، اذیت و آزار اسرای جنگی، تفتیش، تعقیب، دستگیری و غیره. بعد از این تاریخ زندگی بونین تنها مرتبط با فرانسه است. قسمت عمده زندگی او بعد از مهاجرت در شهر گراس<sup>۲</sup> در نزدیکی نیتسی<sup>۳</sup> سپری شد.

آثار دوران مهاجرت او مملو از اندیشه او درباره روسیه، تراژدی تاریخ قرن ۲۰ روسیه و تنهایی انسان معاصر است که با هوس‌های خود در یک لحظه نابود می‌شود. آثار زمان مهاجرت بونین را بهترین آثار او می‌شمارند: «رز ایراخون»<sup>۴</sup> (۱۹۲۴)، «عشق میتین»<sup>۵</sup> (۱۹۲۵)، «آفتاب‌زدگی»<sup>۶</sup> (۱۹۲۵)، «سایه پرنده»<sup>۷</sup> (۱۹۳۱)، «درخت خدا»<sup>۸</sup> (۱۹۳۱)، «اشعار برگزیده»<sup>۹</sup> (۱۹۲۸)، «کوچه باغهای سایه سار»<sup>۱۰</sup> (۱۹۴۴-۱۹۳۷). بونین مجموعه «کوچه باغهای سایه سار» را در زمان جنگ جهانی دوم نوشت که نخستین بار در سال ۱۹۴۳ در نیویورک چاپ شد، اما مجموعه کامل آن که شامل ۳۸ داستان است در سال ۱۹۴۶ در پاریس به چاپ رسید. این کتاب تنها یک مضمون دارد: عشق، البته عشق‌های گوناگونی که متضادند، مثل عشق مقدس و عشق ناپاک، عشق سعادت‌مندان و عشق مایوس، عشق عالی و عشق خشن. «کوچه باغهای سایه سار» را به عبارتی می‌توان دایرةالمعارف عشق نامید. او ای. میخائیلوف<sup>۱۱</sup> معتقد است که «بونین در این داستان از سوژهٔ رمان «رستاخیز»<sup>۱۲</sup> تالستوی استفاده کرده است» (تروینا ل. آ.، 2003، 118) از آثار بزرگ او در زمان مهاجرت رمان «زندگی آرسئی نیو»<sup>۱۳</sup> (۱۹۲۷-۱۹۳۳) است که برندهٔ جایزه ادبی نوبل شد. این رمان، زندگی نامهٔ خودنوشت بونین و موضوع آن دربارهٔ بازسازی روسیه گذشته، کودکی و جوانی نویسنده است. تا قبل از آن بونین به عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه معروف بود. توجه عمده بونین در رمان فقط معطوف به

1. Akiyanniye Dni

2. Grass

3. Nitsa

4. Roza Iarakhona

5. Mitina lobof

6. Sulnichni udar

7. Ten ptitsi

8. Bozhiye dreva

9. Izbranniye Stikhi

10. Tiumniye Allei

11. O.I. Mikhailef

12. Vaskriseniye

13. Zhizn Arseneyeva

زندگی آکسئی آرستی نیو قهرمان اصلی اثر نیست بلکه «شکل‌گیری شخصیت قهرمان، و چگونگی رفتارهای پیچیده او با اطرافیان مثل مادر، پدر، دایه، برادران و خواهران، رفقا و لیکا<sup>۱</sup> تنها عشق او نیز مد نظر است» (دایرةالمعارف، 2001، 134) و از نظر آگنوسووا «این رمان، کتابی درباره عشق و مرگ است» (ادبیات قرن ۲۰ روسیه، 1999، 168).

آخرین رساله هنری - فلسفی بونین «آزادی تالستوی»<sup>۲</sup> و آخرین کتابی که بونین روی آن کار می‌کرد، ولی موفق نشد آن را به پایان برساند «درباره چخوف»<sup>۳</sup> است. آثار بونین به همه زبان‌های اروپایی و بعضی از زبان‌های شرقی برگردانده شده است.

ایوان بونین یکی از ستارگان درخشان ادبیات روسیه است. اولین شعر او در سال ۱۸۸۷ و آخرین آن در سال ۱۹۵۲ سروده شد. بونین خود را بیشتر شاعر می‌دانست تا نثرنویس (دایرةالمعارف ادبیات روسی، 2001، 128) شاید به همین علت است که او یکی از استادان آثار نثر مملو از عناصر تغزلی است. اشعار او با تأثیرپذیری از اشعار پوشکین<sup>۴</sup> (۱۷۹۹-۱۸۳۷)، تیوتچف<sup>۵</sup> (۱۸۰۳-۱۸۷۳) و فت<sup>۶</sup> (۱۸۲۰-۱۸۹۲) سروده شده است. از دیگر مضمونهای مهم اشعار او که بحث اصلی این مقاله درباره آنهاست، مضامین و عناوین الهام گرفته از کتب آسمانی (عهد عتیق، عهد جدید و قرآن) است از جمله: «انجیل»<sup>۷</sup>، «رستاخیز»<sup>۸</sup>، «مکاشفه یوحنا»<sup>۹</sup>، «ابراهیم»<sup>۱۰</sup>، «کوثر»<sup>۱۱</sup>، «حجرالاسود کعبه»<sup>۱۲</sup>، «امت پیامبر»<sup>۱۳</sup>، «شب قدر»<sup>۱۴</sup>، «اسرار الهی»<sup>۱۵</sup>، «محمد(ص) در هجرت»<sup>۱۶</sup>، «سنگ»<sup>۱۷</sup> و...

او اشعاری در مدح اسلام، پیامبر اکرم(ص) و در مورد برخی از مقدسات اسلامی سروده است. بونین در اشعار خود کلمات و اسامی فارسی، عربی و ترکی مثل مرید،

- |                         |                            |                        |
|-------------------------|----------------------------|------------------------|
| 1. Lika                 | 2. Asvabazhdeniya Talstova | 3. A Chekhove          |
| 4. A.S. Poushkin        | 5. F.I. Tiotchef           | 6. A.A. Fet            |
| 7. Novi zavet           | 8. Vaskriseniye            | 9. Apakalipsis         |
| 10. Avraam              | 11. Kosar                  | 12. Chorni kamen Kaabe |
| 13. Patomki Praroka     | 14. Noch Al- Gadr          | 15. Taina              |
| 16. Mogamet ve izgenani | 17. Kamen                  |                        |

ممنون، نماز، ایزد، میترا (در شعر البرز کوه که از آن به نام اسطوره ایرانی یاد می‌کند)، زینب (عنوان شعری به همین نام)، جنت، مؤذن، تمجید (عنوان شعر)، کوثر (عنوان شعر)، یاتاقان و غیره را به کار برده است.

علاقه او به دین اسلام و فرهنگ کشورهای اسلامی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. تأثیرپذیری او از قرآن و اشعار سعدی (که همیشه و همه جا آنها را به همراه داشت)، پوشکین و تالستوی، سفرهای او به کشورهای اسلامی، وجود مرزهای طویل و مشترک ایران و روسیه که از دیرباز زمینه ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو ملت ایران و روس را فراهم ساخته است، مناطق مسلمان‌نشین قفقاز در خاک روسیه و نشر فرهنگ اسلامی از این طریق (یحیی پور، ۱۳۷۸، ۸۳) می‌توانند از عوامل مهم باشند. البته او اولین شاعر روسی نیست که به دنیای اسلام که برای روسیه معمایی بود راه یافت، قبل از او گاوریل درژاوین<sup>۱</sup> (۱۷۴۳-۱۸۱۶) اولین شاعر روس بود که در اشعارش با احترام از اسلام یاد کرد. از شاعران دیگری که قبل از او به موضوع اسلام پرداختند می‌توان گریبایدف<sup>۲</sup> (۱۷۹۰-۱۸۲۸) و ویازیمسکی<sup>۳</sup> (۱۷۹۲-۱۸۷۸) را نام برد. پوشکین نیز اشعاری در مدح رسول اکرم به نام «پیامبر»<sup>۴</sup> و مجموعه اشعار «تأسی از قرآن»<sup>۵</sup> را سرود، که برگرفته از آیات و سوره‌های مختلف قرآن است (کریمی مطهر، ۱۳۸۴). اما بونین توانست به نظرات و عقاید جدید دست یابد و آنها را آشکار کند که پیشینیان نتوانستند. علاوه بر آن، هیچ یک از شاعران روسی به اندازه ایوان بونین اشعار اسلامی نسروده است. همراه داشتن و خواندن قرآن کریم برای او یک ضرورت به حساب می‌آمد. بونین در همه سفرها، ترجمه قرآن آ. نیکلایف<sup>۶</sup> (۱۹۰۱) را به همراه داشت. او در آثارش از مسجد و مناره و گنبد منقوش سخن می‌گوید. آگاهی بونین از سنت‌های مسلمانان بسیار زیاد است. برای مثال او در اشعار خود اشاراتی به مقدس بودن رنگ سبز در نزد مسلمانان دارد. برای نمونه در شعر «امت پیامبر»، شاعر، به سبز پوشیدن امت مسلمان و این که در سنت مسلمانان رنگ سبز سمبل و نماد پیامبر و فرزندان وی است، اشاره کرده است: «سلام کن، اما به خاطر داشته باش، تو در لباس

1. G.R. Derzhavin

2. A.S. Gribaedef

3. P.A. Viyazimski

4. Prarok

5. Padrazheniye Karanu

6. A. Nikolaef

سبزی»، او همچنین در شعر «درفش سبز» به پرچم سبز که سمبل دین محمدی و قیام است، اشاره دارد.

بونین در شعر «امت پیامبر» از مسلمانان می‌خواهد که مانند سرو آزاده باشند و آنها را از تسلیم شدن در برابر بیگانه برحذر می‌دارد. خطاب او در این شعر نه فقط خانواده پیامبر، بلکه همه مسلمانان و امت اسلامی است. با خواندن این شعر، به نظر می‌رسد که بونین این ابیات را همین امروز برای کشورهای مسلمان که غرب به بهانه صلح و امنیت چشم طمع به آنها دوخته، سروده است. این ابیات، بسیار محزون و با غرور سروده شده‌اند. شاعر در این شعر از طرفی به مسلمانان اخطار می‌دهد که حق ندارند به هیچ غریبه‌ای بدی کنند و از طرف دیگر خاطر نشان می‌کند که کمالات انسانی خود را حفظ کنند و بوقلمون صفت نباشند و دست نیاز به سوی انگلیسی‌ها دراز نکنند، چرا که آنها امت پیامبرند و انگلیسی‌ها از آنها برتر نیستند. غرور و شایستگی‌های مسلمانان و همچنین مقاومت آنها در مقابل استثمارگران و استعمارگران برای بونین قابل فهم و شایسته تقدیر بود.

چه بسا کشورها،

چه بسا دولتها،

ما هنوز عاشق آن کهنه حصیریم و

به کافه نرویم،

ما روان در پی مسجد هستیم،

که فضایی ست پر از نور و سکوت

ما نه بازرگانیم

و نه خوشحال از آن

که رسد قافله‌ای

سوی این شهر مقدس - دمشق

بی نیازیم ز هر بیگانه



نه لباس و نه کله خود سفید<sup>۱</sup>  
هیچیک مطلب ما نیست  
مثلی است چنین:  
تو که در جامه سبزی و اولاد پیامبر  
به کسی بد منما!  
تو فقط نیکی کن، اما چون سرو سرافراشته باش  
چونان آبی این سقف  
تو هم آبی باش - پاک و یگرنگ  
نه چون بوقلمون

بونین اشعاری نیز تحت تأثیر اشعار سعدی سروده است. معمولاً شاعران روسی در اشعار خود از درخت توس که در فرهنگ روس نماد نعمت و سعادت است، سخن می‌گویند، ولی در جای جای آثار بونین کلمه سرو که نماد آزادگی در اشعار شاعران ایرانی است، دیده می‌شود. او شعری به نام «وصیت سعدی» دارد با این مضمون:

بخشنده باش چو نخل، گرتوانی  
چو سرو باش، افراشته، ساده و نجیب  
که الهام گرفته از این شعر سعدی است:  
گرت زدست برآید چو نخل باش کریم  
وگرت زدست نیاید چو سرو باش آزاد

اما توجه شاعر تنها با اشاراتی به استعاره‌های شاعران ایرانی در اشعارش خلاصه نمی‌شود. در شعر «درفش سبز»، بونین مردم را دعوت به نبرد معنوی و دنیوی و یا به عبارتی دعوت به جهاد اکبر و اصغر می‌کند و آنها را از عالم برزخ می‌ترساند. در این شعر او از پرسش فرشتگان نکیر و منکر در شب اول قبر می‌گوید:

تو در جعبه خوابیده‌ای،  
جعبه‌ای پرارزش

---

۱. در این بیت از شعر، شاعر مستقیماً به انگلیسی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما به صدقه انگلیسی‌ها نیاز نداریم». البته برای موزون شدن شعر، این کلمات به نحوی که ملاحظه می‌فرمایید، آورده شده است.

ای خدای جهانیان - اسکی  
جنگهای مقدس از دریاها و صحراها  
تو دعوت به نبرد شده‌ای  
خفته‌ای، غرق در رویاهای طلایی  
و از میان چهل پوشش ابریشمی  
چه خوب حس می‌کنی بوی رز و تعفن را  
که بوی قرنهاست  
ای افتخار مشرق زمین  
آرمیدی در دنیا  
اما قلبها را برای همیشه تسخیر کردی  
آیا تو نبودی آن که جبرئیل او را به عرش برد؟  
آیا تو نیستی که تاکنون حاکم مشرق زمینی  
پس کفن را باز کن و به پا خیز  
به پا خیز و اسلام نیز قیام خواهد کرد  
همچون طوفان شنی در صحرا  
به سوی جنگهای مقدس برو  
ملعون کسی است که گوش به نوای قرآن نمی‌سپارد  
ملعون کسی است که در دلش شوق نبرد و نیایش خموش است  
و آنکه برای زندگی نفس نمی‌کشد  
همچون سرزمین بی حاصل حجاز  
فرشته مرگ می‌آید  
به جایگاه مردگان  
و از میان تاریکی  
می‌پرسد از مردگان  
سمبل ایمانشان را  
چه باید بگوئیم؟

چه پاسخ دهیم؟

در مصرع «آیا تو نبودی آن که جبرئیل او را به عرش برد؟» شاعر به آیه اول سوره مبارکه اسرا: سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی... (پاک و منزله است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم - برد...) اشاره دارد که این آیه بیانگر معراج پیامبر است. مصرع «ملعون کسی است که گوش به نوای قرآن نمی سپارد» اشاره ای است به آیه ۲۶ سوره فصلت: و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القران... (کافران گفتند: گوش به این قرآن فرا ندهید...) و مصرع «ملعون کسی است که در دلش شوق نبرد و نیایش خموش است» از آیه ۲۲ سوره مبارکه زمر الهام گرفته است که می فرماید: ... فویل للقسیة لقلوبهم من ذکرالله اولئک فی ضلال مبین (وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند). ابیات پایانی نیز نشان می دهند که بونین این شعر را از آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه سجده الهام گرفته است.

از بسیاری از اشعار بونین پیداست که از نظر وی ادیان الهی یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام دارای یک ریشه اند، اما او از طرف دیگر ویژگی های بارز دین اسلام را درک می کند. بونین حتی زندگی شخصی پیامبر را نیز مورد مطالعه قرار داده است، برای نمونه او در شعر «محمد(ص) و صفیه»، هدف ازدواج پیامبر با صفیه از قوم بنی اسرائیل را ایجاد اتحاد و همبستگی بین ادیان الهی و اقوام مختلف می داند و براساس این جریان تاریخی در سال ۱۹۱۴ شعری سروده است:

محمد(ص) و صفیه

ز خواب برخاست آشفته،

پریشان گیسویش در دست

و گریان، گونه هایش خیس و با اندوه می گوید:

محمد، دیگران مرا

نکوهش می کنند زیرا

که من هم پیرو آیین موسایم

محمد با تبسم گفت:

به آنها پاسخی ده کوتاه و کافی:

که ابراهیم بود جدم

و موسی هم عمویم بود

محمد همسرم است

این تو را کافی است.

صفیه دختر اخطب اصلاً از بنی اسرائیل و از اسرای خیبر و زوجه کنانه بن حقیق بود. در فتح خیبر رسول (ص) او را گرفته و آزاد کرد و به حباله نکاح خود در آورد» (معین، ۱۳۷۷، اعلام). این ازدواج که در سال هفتم هجرت به وقوع پیوست، باعث شد تا قبیله بنی نضیر فوج فوج به اسلام روی آورند (آیتی، ۵۰۵؛ عمادزاده، زنان پیامبر اسلام، ۳۴۳). بوئین بارها آیات قرآن را منبعی برای رساندن افکار و عقاید خود قرار داده است. اشعار زیادی از او با آیاتی از قرآن به عنوان اپیگراف (سخنان آغازین) شروع می‌شوند: «کوثر»، «لیلہ القدر»، «تمجید»، «اسرار الهی»، «به خاطر خیانت»، «علائم راه»، «ابراهیم»، «شیطان»، «پرنده»، «فقیر»...

بوئین نسبت به حروف رمز در قرآن نیز نمی‌توانست بی تفاوت باشد. از ۲۹ سوره قرآن کریم که با حروف رمز شروع می‌شوند، سوره‌های بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان، سجده با حروف رمز «الف، لام، میم» آغاز می‌شوند. حروف رمزی که اسرار آنها تاکنون بر کسی آشکار نگشته است. بوئین آیه رمز این سوره‌ها را در ابتدای شعر «اسرار الهی» که یکی از بهترین اشعار او است به عنوان سخنان آغازین آورده است. این شعر اشاره به وجود حروف مقطعه در قرآن کریم دارد که نظریه‌های متفاوتی در مورد آنها وجود دارد. عده‌ای آنها را از اسرار نهانی و مکنون در نزد خداوند می‌دانند و عده‌ای آن را رمز بین خدا و رسول می‌دانند. بیش از ۳۸ نظریه در این خصوص وجود دارد (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۶-۱۴۰). البته منظور شاعر در این شعر رمز بین خدا و رسول اوست.

## اسرار الهی

الف، لام، میم

به تیغهُ شمشیر دید  
و با دمیدنش نوک شمشیر سوری  
در آبی آسمان مخفی شد  
نقش‌های طلایی روی آن که با رنگ قرمز حکاکی شده بود  
در زیر مه درخشان‌تر می نمود  
بندهٔ آسمان‌ها و تقدیر، بخوان،  
به نام خدا و پیامبرش!  
ندای جنگ طلبانه پرسید:  
تیغ‌ها را چه شعاری مزین کرده است؟  
پاسخ گفت: «شعاری هراس انگیز - شعاری شگفت  
که راز همه رمزهاست: الف، لام، میم»  
«الف، لام، میم»؟  
این علائم مبهمند، چون راه تاریک آخرت  
پیامبر رمز را مستور کرد.....»  
«خاموش، خاموش!  
خشمگین گفت:  
لا اله الا الله  
بالا تر از رموز، قدرتی نیست»  
گفت: با خنجر لمس کردم  
پیشانی زیر عمامه را  
به آت میدان<sup>۱</sup> داغ نگاه کرد  
چون نگاه بی‌رمق یک پرندهٔ وحشی

و نگاهم آرام

باز به پایین خنجر افتاد

ایوان بونین حتی در سخت‌ترین شرایط زندگی از دین، اعتقادات و موازین اخلاقی دست نکشید و همیشه و همه جا حمد و سپاس خدای را به جای می‌آورد. او به کمک آیه ۴۹ سوره مبارکه طور: و من الیل فسیحه و ادبرالنجوم که در آن انسان در هر شرایطی به حمد و ستایش پروردگار دعوت می‌شود به این مسئله اشاره دارد و این آیه را سخنان آغازین شعر «فقیر» قرار داده است با این مضمون:

### فقیر

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و  
به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)

همه باغها غرق در شبم‌اند

ستاره‌ها گرم و روشن

و پرندگان نیمه خواب

تسبیح گو

ستایش کن

آن دم که ستاره‌ها در پشت

کوه حرمون<sup>۱</sup> غروب می‌کنند

و خورشید برمی‌خیزد

آنگاه خوشبخت، پا برهنه

با کاسه‌ای آب

زیر چتر بید می‌نشیند

و می‌گوید:

صلح ارزانی کن به آنهایی که از این جاده خاکی می‌گذرند

امروز روز دیگری است

۱. کوهی در جبل الشیخ که در سوریه طلوع خورشید از آنجاست و از قلّه آن می‌توان حتی مکه را دید.

روزی نو

درود بر امروز!

مفاد شعر «فقیر» علاوه بر آیه ۴۹ سوره طور، به آیه ۱۳۰ سوره مبارکه طه نیز اشاره دارد: فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار لعلک ترضی (پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن، پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن، تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی).

حرکت کاروان به سوی شام و محافظت خداوند از پیامبر در زمان طفولیت به وسیله تکه ابری که بالای سر او در حرکت بود منبع الهام شعری به نام «سفید بالها» شد. شاعر از سفید بالها در این شعر فرشتگان را اراده کرده است:

در گرمی صحرا چونان نوری  
با بالهای روشنش می‌رفت  
آن آسمانی<sup>۱</sup> بر سر خاتم  
گویی که با پرواز پرورش  
از گرمی صحرا می‌کاهید  
در راهم و در دامن صحرا  
بی آنکه باشد جرأت خوابم  
مانند محمد - به سوی مدینه  
به شهری مقدس،  
من آرمانی پیش رو دارم  
راهی به سوی انتهای عشق  
دیگر ندارم باکی از گرما  
با واژه‌های مهربان تو

زیرا که چون تو حافظی دارم  
برایم لبریز گشته این جهان آری  
از نور پاک و نقره‌ای رنگت!

قهرمان بونین در این شعر، خود را با پیامبر مقایسه می‌کند: «و من در راه و من در صحرا راه خود را تا هدف ادامه می‌دهم». شعر، بیانگر این مطلب است که ما باید پیرو راه او باشیم تا به هدف برسیم. در این شعر البته دو حادثه در زندگی پیامبر در کنار هم قرار گرفته‌اند. یکی زمانی که با کاروان بازرگانان به سمت شام می‌رفت و به فرمان خداوند تکه ابری بر بالای سر او حرکت می‌کرد تا از او محافظت کند؛ حادثه دیگر مربوط به هجرت پیامبر از مکه معظمه به مدینه منوره است که رسیدن به هدف را نشان می‌دهد. در شعر «هجرت محمد(ص)» نیز که رسیدن به هدف را نشان می‌دهد، اینکه رنج سفر پیامبر را بی‌تاب کرده مورد اشاره قرار گرفته است:

و در تاریکی صحرا  
به روی دره سنگی  
فرشته‌ها به پروازند  
طنین افکنده آوای حزینش  
در سکوت شب  
مثال چشمه‌ای جا مانده از دریا  
گشاده دل، برهنه پا  
نشسته در داغ صحرا و با اندوه می‌گوید:  
شدم آواره صحرا  
شدم دور از همه یاران  
جدا گشتم ز خویشانم  
ندا دادند: جایز نیست  
چنین درمانده باشی تو  
و خاتم گفت با اندوه:  
شکایت از غم هجران برای صخره می‌کردم.



«کوثر» یکی دیگر از اشعار بونین است که اولین آیه این سوره مبارکه یعنی انا اعطینک الکوثر (ما به تو کوثر = خیر و برکت فراوان) عطا کردیم) را در آن به عنوان سخنان آغازین آورده است. شاعر کوثر را چشمه و یا رودخانه‌ای در بهشت می‌داند. کوثر در تفاسیر شیعه و سنی چشمه فزاینده همیشه جوشانی است که پایانی ندارد. خداوند در این سوره پیامبر را به نیایش و عبادت و قربانی کردن که عامل تقرب و ایمان است، دعوت می‌کند:

### کوثر

ما به تو کوثر بخشیدیم

اینجا رویاها حاکمند - چون پادشاهان  
صدها فرسخ دورتر  
سواحل عربان شوره‌زار، خالی از هر نفسی است  
اما آب‌های سواحل زمردی است  
شن‌هایی چون ابریشم،  
از برف سفیدتر  
و خدا در شن‌های ابریشمی  
برای گله‌های عشایر  
درمنه کبود می‌پرورد  
و آسمان‌ها اینجا کبودند - بیش از حد  
و خورشید چون آتش سقر<sup>۱</sup> است.  
در ساعات سوزان  
آنگاه که سراب آینه‌وار  
همه دنیا را به خواب فرو می‌برد  
او روح را در فراسوی مرزهای این سرزمین اندوهگین  
باشکوه و جلالی بی‌پایان، به باغ‌های بهشت می‌برد

۱. یکی از هفت درکات جهنم است.

و آنجا، پشت مه  
کوثر همیشه روان - کوثر لاجوردی  
رودی که سرچشمه همه رودهاست،  
در جریان است  
وعده آرامش می دهد به زمین، به قبیله ها  
صبور باش!  
نیایش کن!  
و ایمان داشته باش!

علاقه بونین به قرآن و شأن نزول آن باعث شد تا شعری در وصف شب قدر یعنی شب نزول کلام وحی بسراید و عنوان آن را شب قدر بگذارد و آیه ۴ سوره قدر: تنزل الملكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر را به عنوان سخنان آغازین در این شعر بیاورد. او در عنوان شعر، کلمه قدر را با تلفظ عربی به شکل القدر به کار برده است. مفاد این شعر اشاره به آیات سوره مبارکه قدر دارد. در این سوره به تنزل ملائکه در این شب به عالم پایین و همچنین به نزول جبرئیل اشاره شده و خداوند می فرماید که خیرات و برکات این شب از هزار ماه بیشتر و بهتر است: خیر من الف شهر...

#### شب القدر

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان  
برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند.

لیلة القدر -  
آن گاه که قله ها به هم رسیدند، آنقدر نزدیک  
که گویا به هم وصل شده باشند  
آنقدر بلند که گویی بلندتر از آسمان اند  
مؤذن خواند  
یخ ها به سرخی می زدند  
اما از تنگه ها و  
دره ها

سرماى تاريك حس مى شد  
ليله القدر -

از دامنه کوه‌ماى تاريك

ابرها به پايين مى خزند

مؤذن خواند

در عرش الهى

رودخانه‌اى از الماس جريان دارد

در حالى که بخارى از آن بر مى خيزد

و جبرئيل - آهسته و بى صدا

به دنياى خفته سر مى زند

پروردگارا خير و برکت

ارزاني کن به راه اين زائر مقدس

و عطا کن شبى آرام و پر عشق به زمين!

آيات ۴۵ و ۴۶ سوره مبارکه اسراء درباره گمراهی کسانی که وجود خدا و قرآن را انکار می‌کنند، سرچشمه الهام شعری از بونین به نام «پرده» شده‌اند، و اذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و فى اذانهم و قرا و اذا ذكرت ربك فى القرآن وحده ولوا على ادبرهم نفورا: (و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم - و بر دل‌هایشان پوشش‌هایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوش‌هایشان سنگینی و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی برمی‌گردانند).

پرده

و خداوند چنین فرموده:

بنده محبوبم - آن زمانی که تو قرآن خوانی

با حجابی که نهادم در بین

حائل افکندم

که جداگرداند، دشمنان را از تو  
حائل ناپیدا  
گرچه آیات دل انگیز برای آنها  
باطل و بی معناست  
من نهان کرده‌ام افکارم را  
و هم احساسم را  
هیچ کس آگه نیست جز خدا از دل من  
که نهد حائل خود را  
در بین.

علاقه او به اسلام و شرق فقط به این اشعار خلاصه نمی شود. او داستانی کاملاً تغزلی به نام «سنگ» که منظور از آن، همان «صخره معلقه»، یعنی سنگی است که عروج پیامبر اکرم از روی آن صورت گرفته است. در این داستان بونین از تغییر قبله مسلمانان از مسجدالاقصی به سوی کعبه نیز سخن گفته است.

بونین تا پایان عمر احترام ویژه‌ای نسبت به اسلام و مسلمانان ابراز می داشت و اشعار او در این زمینه به قدری زیاد است که می تواند مجموعه‌ای کامل و جداگانه را تشکیل دهد.

### نتیجه

با مطالعه آثار بونین می بینیم که توجه و علاقه او به مفاهیم قرآنی و شرقی باعث شد تا او تحت تأثیر تاریخ، فرهنگ اسلامی و شرقی آثاری را خلق کند که نه تنها نشانگر آشنایی او با معارف و عرفان عملی اسلام می باشد، بلکه بیانگر این است که این مسائل برای او قابل فهم، تعمق و تقدیر نیز بوده است. او در اشعار خود به صراحت احترام به اسلام و پیامبر اکرم را مطرح و به امت مسلمان توصیه می کند تا در پی کمالات اخلاقی، رفتار و اخلاق شایسته باشند. بونین در آثار خود همچنین نشان داده است که نگران سرنوشت انسان و اعتقادات اوست، از این رو پیروان ادیان مختلف را به اتحاد و حفظ اصول و موازین دینی و اخلاقی دعوت کرده، تا بدین وسیله آنها را از وابستگی های دنیوی برحذر

دارد.

بونین با وجود دوری از وطن و شرایط سخت زندگی، دست از دین و کمالات انسانی خود نکشید و تا آخرین لحظه حیات، به آنها پای بند بود. کلیه آثار این نویسنده سرشار از مسائل اخلاقی و دینی است. او سال آخر عمر خود را در بدبختی کامل به سر برد و از بیماری سختی در عذاب بود و سرانجام در هشتم ماه نوامبر سال ۱۹۵۳ آرام و ساکت در حالی که یک جلد مندرس از رمان «رستاخیز» تالستوی در بستر او قرار داشت، در فرانسه از دنیا رفت.

### کتابشناسی

- قرآن مجید، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۹ ش.
- آرخانگلکسکی، آن...، قهرمانان آثار ادبی روسی، مسکو، ۲۰۰۲ م.
- آگنوسووا، و.و...، ادبیات روسیه قرن ۲۰، قسمت اول، مسکو، ۱۹۹۹ م.
- آئیخن والد، یو...، سایه نویسنده‌گان روسی، مسکو، ۱۹۹۴ م.
- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
- اسمیرنوف، ل.آ، ایوان آکسئی، یویج بونین؛ زندگی و آثار، مسکو، ۱۹۹۱ م.
- بالدریوا، ی.ام...، ایوان بونین // تحلیل اثر...، مسکو، ۲۰۰۳ م.
- بونین، ایوان، اشعار، مینسک، ۲۰۰۳ م.
- تروینا، ل.آ، ادبیات روسیه قرن ۲۰، مسکو، ۲۰۰۳ م.
- توکونوا، ت.و...، آماده شدن برای امتحانات ادبیات، مسکو، ۲۰۰۴ م.
- سیکاچووا، ای.و...، ادبیات روسی، مسکو، ۲۰۰۱ م.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۸۰ ش.
- عمادزاده اصفهانی، حسین، زنان پیامبر اسلام، تهران، محمد، بی تا.
- همو، معراج محمد رسول الله، تهران، اسفند ۱۳۶۱ ش.
- کالابایوا، ل.آ، نشر بونین، مسکو، ۲۰۰۰ م.
- کریمی مطهر، جان اله، یحیی پور مرضیه، قرآن در اشعار پوشکین، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش، زیر چاپ.

ماتسلف، یو.، بونین، مسکو، ۱۹۹۴م.

معین، محمد، فرهنگ فارسی در ۶ جلد، جلد ۵ (اعلام)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.  
یحیی پور، مرضیه، گوشه‌هایی از دیدگاه‌های لف نیکلایویچ تالستوی درباره اسلام، پژوهش  
زبان‌های خارجی، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ش.